

## بررسی تأثیر ساختار خانواده (اقناع‌گرا) بر مشارکت اجتماعی دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه پیام نور همدان)

مهرداد حسین پناهی<sup>۱</sup>  
محمدباقر تاج‌الدین<sup>۲</sup>

### چکیده:

مسئله اصلی مشارکت اجتماعی در جامعه تواتری و دوره‌ای بودن آن است، می‌توان بیان داشت که جامعه ما از مشارکت اجتماعی در سطح پایینی برخوردار است که این خود از چندین عامل پیروی می‌کند که یکی از مهمترین آنها نظام ساختار خانواده است چراکه خانواده پایه‌گذار جامعه و همچنین اولین کانون اجتماعی کردن فرزندان است. در تحقیق حاضر به بررسی تأثیر ساختار خانواده بر مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه پیام‌نور همدان در بین نمونه ۳۳۹ نفری به روش پیمایشی پرداخته شده است. چهارچوب نظری در این پژوهش ترکیبی از دو نظریه ساختار شخصیتی هیگن و همچنین نظریه کنشی پارسونز شکل گرفته است. بدین سان پس از انجام بحث نظری و همچنین جمع‌آوری اطلاعات، از طریق نرم‌افزار SPSS به تحلیل داده‌ها از دو روش همبستگی پیرسن و تحلیل واریانس در رگرسیون خطی پرداخته شده است، نتایج به دست آمده از این پژوهش حاکی از این است که هرچه اقناع‌گرایی خانواده افزایش می‌یابد بر میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان افزوده می‌شود.

کلید واژه: ساختار خانواده، مشارکت اجتماعی و اقناع‌گرایی.

\* تاریخ وصول: ۹۱/۴/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱/۲۰

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی mehrdadpanahi58@gmail.com

۲- دکتری جامعه‌شناسی عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق

## ۱- مقدمه

خانواده به عنوان اولین نهاد مسؤول در تربیت افراد جامعه و نگرش و عملکرد آنها تأثیری مسلم و فراگیر دارد. از نظر گی‌روشه (۱۳۶۹) و گیدنز (۱۳۷۶) شکل ارتباطات والدین، به عنوان الگوی مشخص بر روند شکل‌گیری شخصیت فرزندان عمل کرده و به عنوان یک نظام کارکردی در سطوح کلان، میانی و خرد با کارکردهای افزایش ثبات اجتماعی، تقویت روحی همبستگی و کاهش تعارضات گروهی، از بین‌بردن فرهنگ حاشیه‌نشینی، شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت، بسط ارزش‌های دموکراتیک، سهیم‌شدن در منابع قدرت و تقویت روحیه مسؤولیت‌پذیری همراه است. [رهنما با تأکید بر نقش کلیدی مشارکت در توسعه انسان محور، چهارکارکرد شناختی، اجتماعی، سیاسی و ابزاری برای مشارکت قائل است] (رهنما، ۱۹۹۹: ۲ - ۱۲۱).

کالینز با نقد دیدگاه کارکردگرایی پیرامون حفظ تقسیم کار سنتی بین زنان و مردان بدون توجه به ساختار قدرت نابرابر و امتیازات و ارزش‌گذاری‌های متفاوت این موقعیت‌ها سهمی در تقویت باز تولید این نابرابری‌ها دارد، معتقد است خانواده نیز چون سایر نهادها، ساختاری از قدرت و سلطه است که موجب تقویت بسیاری از نابرابری‌ها می‌شود. در هر یک از نقش‌های جنسیتی خانواده میزان زیادی از تسلط جنس مرد و زن در زمینه شغلی، انجام کارها و عمل جنسی، لذت جنسی دیده می‌شود. او پس از تشریح نابرابری در صدد تبیین آنها بر می‌آید. از نظر وی دو دسته از عوامل وجود دارد که به تفاوت‌هایی در الگوی جنسی منجر می‌شوند:

الف) اعمال فشار و مناسباتی از قدرت توسط سازمان‌های اجتماعی

ب) موقعیت بازار کار زنان و مردان

زمانی استفاده‌ی مشخص از فشار محدود می‌شود که یک بازار کار برای برابری‌های جنسیتی یا از سایر منابع مشخص ظهور کند. در چنین شرایطی زنان می‌توانند از برابری‌های جنسیتی یا از سایر منابع (مثل خانوادگی، دانش، مهارت‌های اجتماعی یا حرفه‌ای، مالکیت و سایر موارد) برای چانه‌زنی بر سر منزلت، پاداش، مشارکت اجتماعی و خشونت اجتماعی استفاده کنند (کالینز، ۱۹۹۳).

این مسأله که توزیع قدرت در خانواده و میزان برخورداری هر یک از زوجین و فرزندان از قدرت چگونه است و الگوی تصمیم‌گیری (حاکمیت پدر، حاکمیت مادر و یا ....) به چه صورت است ساخت قدرت در خانواده را مشخص می‌کند. سیدائیوس دپنا ساخت تصمیم‌گیری در خانواده را در سه مقوله دسته‌بندی کرده‌اند:

الف) خانواده‌هایی که در آنها پدر بیشترین قدرت تصمیم‌گیری را دارد.

ب) خانواده‌هایی که در آنها مادر بیشترین قدرت تصمیم‌گیری را دارد.

پ) خانواده‌هایی که در آنها قدرت تصمیم‌گیری بطور یکسان میان پدر و مادر تقسیم شده

است (سیدائیوس دپنا، ۲۰۰۲: ۵).

مفهوم قدرت در خانواده چندان شفاف نیست، درباره‌ی مفهوم‌سازی ابعاد قدرت در خانواده از سوی نظریه پردازان اجماع کامل وجود ندارد، با وجود این اختلاف نظری، بسیاری از محققین در تحقیقات سوای اختلافات لغوی وجه تصمیم‌گیری<sup>۱</sup> را به عنوان مصداق مفهوم قدرت در خانواده به کار می‌برند. وقتی سؤال می‌شود چه کسی اعمال قدرت می‌کند، این امر به طور اخص متوجه تصمیم‌گیری‌ها در خانواده است (السون، ۱۹۶۹: ۵۴۷).

فزون‌تر اینکه در شاخص قدرت میان زن و شوهر و تصمیم‌گیری می‌تواند مشخص‌کننده‌ی میزان پدرسالاری در خانواده نیز محسوب گردد (بات و همکاران، ۱۳۷۰: ۱۵۱).

این پژوهش در صدد است به این پرسش پاسخ دهد که ساختار خانواده (اقناع‌گرا) چه تأثیری بر مشارکت اجتماعی دانشجویان دارد؟

## ۲- بیان مسأله

فرآیند مشارکت با تغییرات اجتماعی حاصل از صنعتی‌شدن و مدرنیته، تأثیر شایانی بر ساختار خانواده و جایگاه اعضای آن داشته است. دگرگونی‌های اجتماعی و تحول در الگوهای زندگی جوامع شهری و ورود زنان به اجتماع، موجب تغییر و تحول در نگرش افراد در توزیع نقش‌ها و به تبع آن توزیع قدرت در خانواده شده است [مهدوی و صبوری، ۱۳۸۲: ۲۹].

از منظر جامعه‌شناسی مشارکت می‌تواند شکل‌ها و درجات گوناگون داشته باشد. نظریه‌های همکاری، همیاری، همبستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش، انقیاد و شیفتگی، ایفای نقش اجتماعی و انجام وظایفی که با این نقش‌ها ملازمت دارند، مبین مشارکت معمولی و ارتجاعی گونه (بدیهه، در حال) در حیات اجتماعی است ایفای این نقش‌ها تجلی اراده انسانها جهت تعلق به جمع و یکپارچگی و یگانگی با آن است (بیرو، ۱۹۶۳: ۲۵۷).

گسترش تحصیلات عالی در بین زنان و افزایش نسبت شهرنشینی، تغییرات گسترده‌ای را در نظام روابط سنتی ایران به دنبال داشته است. زنانی که توانسته‌اند در بیرون از محیط خانه، به اشتغال بپردازند، به طور نسبی به استقلال مالی دست یافته‌اند. حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و تأمین مالی بخشی از هزینه‌های خانواده از درآمد زنان، قدرت چانه‌زنی آنها را در خانواده بالاتر برده است. تجربه‌های مشارکتی زنان در امور خانوادگی بدون اعمال قدرت یک جانبه از سوی مردان، عرصه را برای افزایش قابلیت‌های آنها به منظور مشارکت هرچه بیشتر در اجتماع فراهم آورده است. از سوی دیگر، این امر به پذیرش جایگاه‌های متفاوت اعضای خانواده نسبت به گذشته در ذهن مردان منجر شده است. به طوری که مردان واگذاری بخشی از قدرت مطلقه‌ی خود را در خانواده به زنان کاملاً پذیرفته-

اند و خود نیز در امور داخلی خانه که به طور سنتی مخصوص زنان بود، مشارکت فعال دارند. نظر به اینکه مشارکت اجتماعی عامل تقویت همبستگی در شبکه‌های اجتماعی است، اهمیت و کاربرد آن پررنگ‌تر شدن حضور افراد در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی است که در بلندمدت موجب تعمیق روابط بین اعضای جامعه، افزایش احساس یگانگی، سعه صدر و تسامح و تساهل می‌گردد و در نتیجه به توسعه نهادهای مدنی و دموکراتیک خواهد انجامید. تعصبات قومی و قبیله‌ای کاهش یافته و سنت‌های ریشه‌دار محلی به سوی عام‌نگری هدایت و در صورت لزوم به نفع هنجارهای دموکراتیک اصلاح خواهد شد. وانگهی می‌توان انتظار داشت که بسیاری از اموری که اکنون دولت متصدی انجام آن است در قالب فعالیت‌های اجتماعی توسط خود مردم اداره شده و در عمل هم حجم دولت کاهش یافته و هم افراد از طریق سامان‌دادن به این امور دین خود را به کلیت اجتماع ادا نمایند.

رشن (۱۹۷۴) در کتاب خود تحت عنوان بنیانهای روانشناختی مشارکت در توضیح این تئوری معتقد است که انسان طبق اصل حسابگرانه درصدد کاهش هزینه‌ها و افزایش پاداش (سود) می‌باشد. طبق تئوری مبادله‌ی مشارکت، مشارکت همانند یک بازار است که در آن افراد تصمیماتی را برای کسب سود بیشتر (پاداش) با هم مبادله می‌کنند. رشن در توضیح این تئوری معتقد است ایده‌ی پاداش برای تئوری مبادله هم در حوزه اجتماعی و هم سیاسی اهمیت اساسی دارد.

بر اساس این دیدگاه افراد در فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی شرکت می‌کنند که بتوانند در مشارکت خود بتوانند سه اصل زیر را تحقق بخشند:

- ۱- افزایش پاداش و کاهش هزینه‌ها
  - ۲- معقولانه‌بودن دستورالعمل‌های دولتی نسبت به هر قاعده‌ی دیگر از این نظر که سود و زیان آن قابل برآورد و قابل قبول باشد
  - ۳- تسهیلات و امکانات دولتی (عمومی) از نظر مقدار، کیفیت و توزیع ثابت باشد.
- السون معتقد است که انتخابات و شرکت فراد در آن بر منافع افراد تأثیر دارد و کنشگران علاقمند هستند بر نتایج انتخابات تأثیر گذارند چراکه مشارکت همچون بازاری است که هر دو طرف خریدار و فروشنده طبق اصل اول و بدیهی اقتصادی (کسی حداکثر سود) با هم رفتاری حسابگرانه دارند از نظر السون مداخله و مشارکت افراد در مسائل سیاسی و اجتماعی و صرفاً برای تأمین بخشی از نیازهای خود می‌باشد در الگوی السون و رشن عقلانیت در تبیین مشارکت نقش بسیاری دارد (رشن، ۱۹۷۴).

### ۳- بیان نظری پژوهش

پارسونز ارگانسیم رفتاری را، دارای سه گرایش هنجاری ارزیابی و ادراکی یا شناختی است، نخستین منشا کنش می‌داند، ارگانسیم وسیله‌ای که انسان به وسیله آن با محیط ارتباط پیدا می‌کند و

کارکرد آن فراهم کردن عوامل تطابق انسان با محیط است. به نظر پارسونز، به دلیل اینکه نوزاد انسان در یک نظام فرهنگی متولد می‌شود این ارگانیزم در برخورد با فرهنگ و پذیرش مجموعه‌ی باورها، ارزش‌ها و هنجارهای نظام فرهنگی آنها را درونی می‌کند (از طریق زندگی در میان اعضای خانواده، کسب تحصیلات در گروه‌های آموزشی، یادگیری باورها و ارزش‌ها درباره‌ی فایده‌های مشارکت در امور اجتماعی و همکاری و از این دست مفاهیم) و با درونی شدن ارزش‌ها و هنجارها، نظام شخصیتی شکل می‌گیرد، که کارکرد آن هدف‌یابی است. وقتی نظام شخصیتی شکل گرفت، دیگر انسان نه از ارگانیزم بلکه از شخصیت خود پیروی می‌کند و شخصیت بر ارگانیزم مسلط می‌شود (روشه، ۱۳۷۷). بر اساس نظریه پارسونز افراد مشارکت‌جو دارای ویژگی‌هایی چون عام‌گرایی، فعال‌گرایی، خردگرایی و امید به آینده‌اند (روشه، ۱۴۷۷: ۱۹۱).

هیگن نیز از جمله صاحب‌نظرانی است که تحولات انواع جوامع سنتی و مدرن را بر حسب ساختار شخصیتی افراد آن جوامع تعیین کرده است، به نظر وی نقطه آغازین تربیت و اجتماعی شدن کودک نقش زیادی در رفتار او در بزرگسالی دارد به گونه‌ای که ممکن است مانع نوآوری یا پذیرش نوآوری شود، از دیدگاه او ایستایی و سکون جوامع سنتی معلول شیوه تربیتی خشک و اطاعت آمیز در دوران کودکی است که توأم با تنبیهات سخت برای کسانی است که دستورات را مراعات نمی‌کند همراه است. وی معتقد است ((سرمایه‌گذاری در دوران کودکی بجای اینکه معطوف به سکون، اطاعت و فعالیت‌های باز دارنده باشد، باید مشوق کار، فعالیت و خلاقیت باشد (هیگن، ۱۹۶۲)). بنابراین نوع روابط میان نقش‌های مختلف در خانواده و به تبع آن تفوق هر یک از گونه‌های ساخت قدرت و یا شیوه‌های تربیتی (استبدادی، دمکراتیک، ...) منجر به بروز رفتارهای متفاوت از سوی فرزندان در عرصه‌های اجتماعی خواهد شد. ((در بررسی مطالعات خانواده، روابط خانوادگی و چگونگی تربیت فرزندان در جوامع مختلف بر روی چگونگی تبدیل موجودات انسانی به موجودات اجتماعی متمرکز بوده‌اند و تأثیر تجربه‌های دوران کودکی بر روی سرنوشت آینده انسان را مطرح می‌نمایند... چگونگی برخورد والدین با کودک زمینه‌ساز شخصیت انسان است)) (اعزازی، ۱۳۶۷: ۶۳).

#### ۴- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی در تحقیق بررسی تأثیر ساختار خانواده (اقناع‌گرا) بر مشارکت اجتماعی دانشجویان (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان) می‌باشد، که در خلال این پژوهش فرضیه‌های دیگری با توجه به چارچوب نظری بررسی می‌شود که به شرح ذیل می‌باشد:

۱- بررسی تأثیر خردگرایی ساختار خانواده‌ها بر مشارکت اجتماعی دانشجویان.

۲- بررسی تأثیر امید به آینده ساختار خانواده‌ها بر مشارکت اجتماعی دانشجویان.

## ۴-۱- آزمون فرضیه‌ی اول

## ۴-۱-۱- فرضیه‌ی آماری

فرض  $H_0$ : به نظر می‌رسد اقتناع‌گرایی خانواده‌ها بر میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان تأثیر معناداری ندارد.

فرض  $H_1$ : به نظر می‌رسد اقتناع‌گرایی خانواده‌ها بر میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان تأثیر معناداری دارد.

جدول بررسی سنجش همبستگی بین شاخص اقتناع‌گرایی خانواده‌ها با مشارکت اجتماعی دانشجویان با استفاده از

## آزمون همبستگی پیرسون

متغیرها	میانگین	خطای استاندارد	تعداد	مقدار P	میزان همبستگی (r)
مشارکت اجتماعی	۱۷/۰۴	۴/۱۶۶	۳۳۹	۰/۰۰۱	۰/۲۷۱
اقتناع‌گرایی خانواده‌ها	۱۹/۷۱	۳/۰۸۳			

طبق اطلاعات جدول مقادیر P محاسبه شده ( $۰/۰۰۱ < ۰/۰۵$ ) کمتر از حد استاندارد می‌باشند که نشانگر پایین بودن میزان خطا در اندازه‌گیری است و از سوی دیگر میزان همبستگی ( $۰/۲۷۱$ ) نیز نشانگر وجود همبستگی بین این دو متغیر می‌باشد. بنابراین فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_1$  تأیید می‌گردد. یعنی می‌توان نتیجه گرفت که بین اقتناع‌گرایی خانواده‌ها و مشارکت اجتماعی آزمودنی‌ها، همبستگی قوی و معناداری وجود دارد و با افزایش میزان اقتناع‌گرایی خانواده‌ها، مشارکت اجتماعی دانشجویان افزایش می‌یابد.

این فرضیه همچنین توسط آزمون تحلیل واریانس در رگرسیون خطی، مورد سنجش قرار گرفته و نتایج به دست آمده، به قرار زیر بوده است:

جدول سنجش تفاوت مشارکت اجتماعی دانشجویان در سطوح مختلف میزان اقتناع‌گرایی خانواده‌ها با استفاده

## از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه

منابع تغییرات	درجه‌ی آزادی	مجموع مربع انحرافات (SS)	میانگین مربع انحرافات (MS)	مقدار F	سطح اطمینان (P.Value)
بین گروهی	۱	۴۳۰/۱۲۷	۴۳۰/۱۲۴	۲۶/۶۶۴	۰/۰۰۱
درون گروهی	۳۳۷	۵۴۳۶/۲۱۳	۱۶/۱۳۱		
کل	۳۳۸	۵۸۶۶/۳۴۰			

بر اساس اطلاعات جدول بر اساس مقدار F موجود در جدول مقادیر بحرانی در درجات

آزادی ۱ و ۳۳۷ (۳/۸۶) که از مقدار  $F$  به دست آمده (۲۶/۶۶۴) کوچکتر می‌باشد و نیز از آنجایی که نمره  $P$  به دست آمده (۰/۰۰۱)، کوچکتر از مقدار استاندارد (۰/۰۵)، می‌باشد ( $P < ۰/۰۵$ )، بنابراین می‌توان در سطح معنی‌داری  $0/05 < F$  نتیجه گرفت که تفاوت بااهمیتی در بین مشارکت اجتماعی دانشجویان، در سطوح گوناگون شاخص اقناع‌گرایی خانواده آنان وجود دارد. به بیان دیگر، می‌توان نتیجه‌ی به دست آمده آزمون همبستگی پیرسون را پذیرفت. یعنی: اقناع‌گرایی خانواده‌ها بر میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان تأثیر معنادار مثبت دارد.

#### ۴-۲- آزمون فرضیه‌ی دوم

##### ۴-۲-۱- فرضیه‌ی آماری

فرض  $H_0$ : به نظر می‌رسد خردگرایی خانواده‌ها بر میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان تأثیر معناداری ندارد.

فرض  $H_1$ : به نظر می‌رسد خردگرایی خانواده‌ها بر میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان تأثیر معناداری دارد.

جدول بررسی سنجش همبستگی بین شاخص خردگرایی خانواده‌ها با مشارکت اجتماعی دانشجویان با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون

متغیرها	میانگین	خطای استاندارد	تعداد	مقدار $P$	میزان همبستگی (۴)
مشارکت اجتماعی	۱۷/۰۴	۴/۱۶۶	۳۳۹	۰/۰۰۱	۰/۳۱۶
خردگرایی خانواده	۱۲/۶۶	۱/۷۴۴			

طبق اطلاعات جدول، مقادیر  $P$  محاسبه شده ( $0/05 < 0/001$ ) کمتر از حد استاندارد می‌باشند که نشانگر پایین بودن میزان خطا در اندازه‌گیری است و از سوی دیگر میزان همبستگی (۰/۳۱۶) نیز نشانگر وجود همبستگی بین این دو متغیر می‌باشد. بنابراین فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_1$  تأیید می‌گردد. یعنی می‌توان نتیجه گرفت که بین خردگرایی خانواده‌ها و مشارکت اجتماعی آزمودنی‌ها، همبستگی قوی و معناداری وجود دارد و با افزایش میزان خردگرایی خانواده‌ها، مشارکت اجتماعی دانشجویان افزایش می‌یابد.

این فرضیه همچنین توسط آزمون تحلیل واریانس در رگرسیون خطی، مورد سنجش قرار گرفته و نتایج به دست آمده، به قرار زیر بوده است:

جدول سنجش تفاوت مشارکت اجتماعی دانشجویان در سطوح مختلف میزان خردگرایی خانواده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل

واریانس یک‌طرفه

منابع تغییرات	درجه‌ی آزادی	مجموع مربع انحرافات (SS)	میانگین مربع انحرافات (MS)	مقدار F	سطح اطمینان (P. Value)
بین گروهی	۱	۵۸۷/۴۲۶	۵۸۷/۴۲۶	۳۷/۵۰۱	۰/۰۰۱
درون گروهی	۳۳۷	۵۲۷۸/۹۱۱	۱۵/۶۶۴		
کل	۳۳۸	۵۸۶۶/۳۳۶			

بر اساس اطلاعات جدول بر اساس مقدار F موجود در جدول مقادیر بحرانی در درجات آزادی ۱ و  $(۳/۸۶)۳۳۷$  که از مقدار F به دست آمده  $(۳۷/۵۰۱)$  کوچکتر می‌باشد و نیز از آنجایی که نمره‌ی P به دست آمده  $(۰/۰۰۱)$ ، کوچکتر از مقدار استاندارد  $(۰/۰۵)$  می‌باشد  $(P < ۰/۰۵)$ ، بنابراین می‌توان در سطح معنی‌داری  $۰/۰۵ < F$  نتیجه گرفت که تفاوت بااهمیتی در بین مشارکت اجتماعی دانشجویان، در سطوح گوناگون شاخص خردگرایی خانواده آنان وجود دارد. به بیان دیگر، می‌توان نتیجه‌ی به دست آمده آزمون همبستگی پیرسون را پذیرفت. یعنی:

خردگرایی بر میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان تأثیر معنادار مثبت دارد.

#### ۳-۴- آزمون فرضیه سوم

##### ۱-۳-۴- فرضیه‌ی آماری

فرض  $H_0$ : به نظر می‌رسد امید به آینده ساختار خانواده‌ها بر میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان تأثیر معناداری ندارد.

فرض  $H_1$ : به نظر می‌رسد امید به آینده ساختار خانواده‌ها بر میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان تأثیر معناداری دارد.

جدول بررسی سنجش همبستگی بین شاخص امید به آینده ساختار خانواده‌ها با مشارکت اجتماعی دانشجویان

با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون

متغیرها	میانگین	خطای استاندارد	تعداد	مقدار P	میزان همبستگی (r)
مشارکت اجتماعی	۱۷/۰۴	۴/۱۶۶	۳۳۹	۰/۰۰۱	۰/۳۳۳
امید به آینده ساختار خانواده	۱۲/۸۱	۳/۷۵۴			

طبق اطلاعات جدول، مقادیر P محاسبه شده  $(۰/۰۵ < ۰/۰۰۱)$  کمتر از حد استاندارد می‌باشند که



نشانه‌گر پایین بودن میزان خطا در اندازه‌گیری است و از سوی دیگر میزان همبستگی ( $0/333$ ) نیز نشانه‌گر وجود همبستگی بین این دو متغیر می‌باشد. بنابراین فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_1$  تأیید می‌گردد. یعنی می‌توان نتیجه گرفت که بین امید به آینده ساختار خانواده‌ها و مشارکت اجتماعی آزمودنی‌ها، همبستگی قوی و معناداری وجود دارد و با افزایش میزان امید به آینده ساختار خانواده‌ها، مشارکت اجتماعی دانشجویان افزایش می‌یابد.

این فرضیه همچنین توسط آزمون تحلیل واریانس در رگرسیون خطی، مورد سنجش قرار گرفته و نتایج به دست آمده، به قرار زیر بوده است:

جدول سنجش تفاوت مشارکت اجتماعی دانشجویان در سطوح مختلف میزان امید به آینده ساختار خانواده‌ها با

استفاده از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه

سطح اطمینان (P.Value)	مقدار F	میانگین مربع انحرافات (MS)	مجموع مربع انحرافات (SS)	درجه‌ی آزادی	منابع تغییرات
۰/۰۰۱	۴۱/۹۹۶	۶۵۰/۰۴۵	۶۵۰/۰۴۵	۱	بین گروهی
		۱۵/۴۷۹	۵۲۱۶/۲۹۱	۳۳۷	درون گروهی
			۵۸۶۶/۳۳۶	۳۳۸	کل

بر اساس اطلاعات جدول بر اساس مقدار  $F$  موجود در جدول مقادیر بحرانی در درجات آزادی ۱ و  $337(3/86)$  که از مقدار  $F$  به دست آمده ( $41/996$ ) کوچکتر می‌باشد و نیز از آنجایی که نمره  $P$  به دست آمده ( $0/001$ )، کوچکتر از مقدار استاندارد ( $0/05$ )، می‌باشد ( $P < 0/05$ )، بنابراین می‌توان در سطح معنی داری  $0/05 < F$  نتیجه گرفت که تفاوت بااهمیتی در بین مشارکت اجتماعی دانشجویان، در سطوح گوناگون شاخص امید به آینده ساختار خانواده آنان وجود دارد.

به بیان دیگر، می‌توان نتیجه‌ی به دست آمده آزمون همبستگی پیرسون را پذیرفت. یعنی: امید به آینده ساختار خانواده بر میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان تأثیر معنادار مثبت دارد.

##### ۵- نتیجه‌گیری

در خصوص فرضیه اصلی پژوهش در ساختار خانواده که مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت و مشخص شد که بین اقناع‌گرایی خانواده‌ها و مشارکت اجتماعی دانشجویان، همبستگی قوی و معناداری وجود دارد یعنی با افزایش اقناع‌گرایی خانواده‌ها مشارکت اجتماعی دانشجویان افزایش می‌یابد. این فرضیه همچنین توسط آزمون تحلیل واریانس در رگرسیون خطی مورد سنجش قرار گرفته است و مشخص شد که تفاوت بااهمیتی در بین مشارکت اجتماعی دانشجویان، در سطوح گوناگون

شاخص اقتناع‌گرایی خانواده‌ی آنان وجود دارد. به بیان دیگر می‌توان نتیجه به دست آمده از آزمون همبستگی را پذیرفت و بیان داشت که اقتناع‌گرایی خانواده‌ها بر میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری دارد.

نتیجه پژوهش در مورد فرض اول از سؤالات فرعی یعنی تأثیر خردگرایی بر مشارکت اجتماعی دانشجویان چنین است که بین خردگرایی خانواده‌ها و مشارکت اجتماعی دانشجویان همبستگی قوی و معنادار مثبت وجود دارد و با افزایش میزان خردگرایی خانواده‌ها، مشارکت اجتماعی آزمودنیها افزایش می‌یابد این فرض همچنین توسط تحلیل واریانس در رگرسیون خطی مورد سنجش قرار گرفت و از آن چنین نتیجه‌گیری می‌شود که تفاوت بااهمیتی در بین مشارکت اجتماعی دانشجویان، در سطوح گوناگون شاخص فردگرایی خانواده آنان وجود دارد به بیان دیگر می‌توان نتیجه گرفت خردگرایی بر میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان تأثیر معنادار مثبت دارد.

اما در خصوص آخرین فرض از سؤالات فرعی یعنی تأثیر امید به آینده در ساختار خانواده بر مشارکت اجتماعی دانشجویان از طریق تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده چنین نتیجه‌گیری می‌شود که بین امید به آینده خانواده‌ها و مشارکت اجتماعی آزمودنی‌ها همبستگی قوی و معناداری وجود دارد و با افزایش میزان امید به آینده ساختار خانواده دانشجویان، بر میزان مشارکت اجتماعی آنان افزوده می‌شود.

همچنین این فرض توسط تحلیل واریانس در رگرسیون خطی مورد سنجش قرار گرفت و با توجه به آن می‌توان بیان داشت که تفاوت با اهمیت در بین مشارکت اجتماعی دانشجویان در سطوح گوناگون شاخص امید به آینده ساختار خانواده آنان تفاوت با اهمیت وجود دارد به بیان دیگر می‌توان نتیجه به دست آمده از آزمون همبستگی را پذیرفت و بیان داشت امید به آینده ساختار خانواده‌ها بر مشارکت اجتماعی دانشجویان تأثیر معنادار مثبت دارد.

### فهرست منابع

- ۱ - ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری، (۱۳۷۹)، بررسی رابطه‌ی بین اعتماد و مشارکت در نواحی روستایی شهر کاشان، فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۱۷ تهران.
- ۲ - اعزازی، شهلا، (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، انتشارات روشنفکران، تهران.
- ۳ - پناهی، امیر، (۱۳۸۳)، ساختار قدرت در خانواده - مدرسه وبا تأکید بر مشارکت اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.

- ۴ - دلاور (۱۳۸۶)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، انتشارات رشد.
- ۵ - ریشه، گی، (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدال حسین نیک گهر، تهران، مؤسسه انتشاراتی تبیان
- ۶ - ریتزر، جورج، (۱۳۸۳)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، چاپ ۸.
- ۷ - رهنما، مجید، (۱۳۷۷) مشارکت در نگاهی نو به توسعه، نشر مرکز، تهران.
- ۸ - ذوالفقاریپور، محبوبه، (۱۳۸۳)، بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با رضایت‌مندی زناشویی، زنان کارمند و خانه‌دار شهر تهران.
- ۹ - ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات سروش، تهران، چاپ اول.
- ۱۰ - عنایت، حلیمه، (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر اشتغال زنان بر روابط خانوادگی در شهر شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- ۱۱ - کلدی، علی‌رضا، (۱۳۸۰) بررسی نگرش شهروندان از مشارکت در مدیریت شهری، مطالعه در منطقه ۷ تهران، دانشکده علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.
- ۱۲ - کریمی، داوود، (۱۳۸۷)، تأثیر ساختار قدرت در خانواده بر مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه قم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قم.
- ۱۳ - لاجوردی، هاله، (۱۳۷۶)، قدرت در خانواده همراه با پژوهشی در ساختار قدرت در خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۴ - مهدوی، محمد صادق و حبیب صبوری خسرو شاهی، (۱۳۸۲)، بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده، مجله مقالات زنان شماره ۲

- 15- Bates, A. kristian, Christopher D. Bader and F.Carson menken (2003)“familystructure, power – control theory and Deviance. Western criminology Review 4(3),p.p 170 – 190. (w.w.w googl .com).
- 16- Collins , randall,(1993) ,conflictsocialigy; toward on explanaatory science, new york akademic.
- 17- Hegen,EE,(1962) on the tehory of sosisl change , how economic growth begin dorsay pross home wood.

- 
- 18- Olson,david,h.(1969,(the measurement of family pover by self & behavioral metods,journal of marriaje and the family . vol 3 p: 545-550 .
- 19- Parsons , talcoot, the social system, new york, free press, v.p.xv.w(1951).